

نقد نگارشی یک رأی

محمد رضا خسروی - دادیار دیوان عالی کشور

اشاره: بسیاری از وقتها، قضات دادگاههای تالی و همکاران ما در محاکم بدوی تراکم کار و شلوغی دادگاه و انبوه پرونده‌های ارجاعی را بهانه قرار می‌دهند تا بی‌اعتنایی خود را به زبان فارسی و درست‌نویسی توجیه کنند، من البته ضمن این که نگرانیهای آنان را از بابت متناسب نبودن حجم کار، درک می‌کنم، هیچ‌گاه نمی‌توانم بپذیریم که بی‌سامانی نگارشی و پشت کردن به آیین کار را می‌توان دلیلی از این دست تراشید. چگونه است که ما برای مثلاً حضور در صحنه «اختلاف» و برای معاینه محل، گاه ساعتها و روزهایی را تلف می‌کنیم و آن‌گاه از کنار گذاشتن ده دقیقه وقت برای ویرایش و پیراستن متن رأی دریغ می‌ورزیم - نه البته این سهل‌انگاریها را نمی‌توان بدین گونه پاسخ داد. اما و به هر جهت گیریم که همکاران ما در دادگاههای تالی بتوانند در پس پشت آمار کار پناه گیرند آیا همکاران دیگرمان در دادگاههای باصلاح عالی هم می‌توانند خبطهای نگارشی خود را به زیادی حجم کار نسبت بدهند؟! پذیرفتن بهانه‌هایی از این دست را دشوار می‌بینم. اما اینک نگاهی خواهیم داشت به یک رأی از دادگاه عالی انتظامی قضات و سپس نظر خود را در مورد متن رأی با شما در میان خواهیم گذاشت:

رأی دادگاه

«در پرونده مطروحه، خواهان خواسته را بدو ده میلیون ریال تقویم نموده و بعداً طی لایحه‌ای که بعد از اولین جلسه تقدیم دادگاه شده میزان خواسته ۴/۵ میلیون دلار مشخص شده است. رئیس وقت دادگاه عمومی تهران بدون توجه بمراتب فوق و نیز بدون ارزیابی دلار مورد مطالبه و مشخص کردن

خواسته به ریال و ابطال هزینه دادرسی اقدام به رسیدگی کرده و خواندگان را به پرداخت دلار و بعضاً مارک محکوم نموده است که تخلف از مقررات قانونی است، همچنین قاضی موصوف بدون رسیدگی قضایی لازم بصرف ادعای خواهان چهار نفر از خواندگان را به میزان مشخصی از دلار یا مارک محکوم و تکلیف دو خواننده دیگر را معلوم نکرده است خصوصاً اینکه محکوم به کمتر از ۴/۵ میلیون دلار مورد مطالبه است و تکلیف مابقی آن مشخص نمی‌باشد علیهذا مستنداً به ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر یک هشتم حقوق برای مدت ۲ ماه محکوم می‌گردد. رأی صادره قطعی است.»

ملاحظه می‌فرمایید که بین رأی دادگاه عالی و رأی دادگاه تالی تفاوت چندانی وجود ندارد، انگار تقدیر این گونه رقم خورده است که آرای محاکم ایران از صدر تا ذیل همه به یک نسبت با قواعد نگارشی بیگانه باشند، ببینید:

۱- عبارت «پرونده مطروحه» غلط واضحی است که بر پیشانی رأی نشسته است چرا که باید گفت آوردن کلمه مطروحه با صیغه مفرد مؤنث به عنوان صفت برای پرونده که نه مذکر است و نه مؤنث نوعی سقوط در چاه ناآشنای «پرونده» است یعنی که آقایان واژه پرونده را به جانیاورده‌اند اگر نه برای آن صفت مؤنث تدارک نمی‌دیدند. آیا بهتر نیست که اصلاً عادت کنیم حرف خود را به فارسی بنویسیم تا از دچار شدن در گرداب ناآشنایی با شأن واژه‌ها خود را برهانیم؟

۲- عبارت «بعداً طی لایحه‌ای که بعد از زشت و بی‌قواره و خالی از فصاحت به نظر می‌رسد. نوشتن

بعد از بعد یا قبل از قبل در یک عبارت قابل دفاع نمی‌باشد، آیا بهتر نبود به جای آن نوشته می‌شد «آن‌گاه پس از نخستین جلسه»؟

۳- ترکیبهای «بمراتب»، «بصرف» و «علیهذا» به لحاظ پیوسته‌نویسی غلط است، می‌بایست نوشته می‌شد: به مراتب، به صرف، و علی‌هذا.

۴- در عبارت «چهار نفر... را محکوم و تکلیف دو خواننده دیگر از معلوم نکرده است» بخشی از فعل مثبت (محکوم کرده است) را به اعتبار فعل منفی (معلوم نکرده است)، حذف کرده‌اند و این درست نیست یعنی تنها وقتی شما می‌توانید فعلی را به قرینه حذف کنید که فعل بعدی در اثبات و در نفی و در مفرد و جمع دلالت کاملی بر محذوف داشته باشد و در عبارت بالا این گونه نیست.

۵- آوردن اعداد ۴/۵ و ۲ در متن رأی به شکل ریاضی در رأی دادگاه عالی پسندیده نیست چرا که قضات توصیه شده‌اند به این که کل اعداد موجود در متن رأی را به جز شماره مواد قانون با تمام حروف بنویسند پس پذیرش این ترک اولی از دادگاه عالی دشوار می‌نماید.

۶- عبارت «محکوم نموده است» به لحاظ این که از مشتقات فعل «نمودن» به جای «کردن» استفاده شده است غلط می‌نماید و ما بارها این دقیقه را گوشزد کرده‌ایم.

۷- ترکیب عبارتی «مابقی آن» اگر چه در کاربردهای اواسط الناس هم برای خود جایی باز کرده باشد از نگاه فرهیختگان ترکیبی مخنث و ناسازگار به نظر می‌رسد چه عبارت «مابقی» یعنی آن چه مانده است پس نیازی به صفت اشاره مکرر آن ندارد، بهتر بود اصلاً به جای این ترکیب از همان واژه ساده «مانده» استفاده می‌شد.

۸- سرانجام عبارت کلیشه‌ای «رأی صادره» نیز غلط روشنی است که استعمال آن از سوی قضات دور از انتظار می‌نماید و البته درخصوص غلط بودن این ترکیب چندان گفته‌ام و نوشته‌ام که بازگویی آن همه را سزاوار نمی‌دانم.

